

تحلیل اثرات اقتصادی - اجتماعی تعاونی‌های فرش دستباف

روستایی استان همدان

دریافت مقاله: ۹۱/۶/۱۵ پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۵

صفحات: ۱۱۷-۱۳۹

سمیه لطیفی: کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه بوعلی سینا همدان^۱

Email: somaye.latifi84@gmail.com

حشمت اله سعدی: دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

Email: hsaadi48@yahoo.com

حسین شعبانعلی فمی: دانشیار گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

Email: hfami@ut.ac.ir

سید محسن مشرف: کارشناس معاونت تحقیقات و آموزش مرکز ملی فرش ایران

Email: smm1344@gmail.com

چکیده

تعاونی‌های فرش دستباف روستایی با هدف حمایت از قشر محروم و مولد قالبباف کشور و سازماندهی آن‌ها در قالب نظام تعاون به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی در این هنر و صنعت ملی تشکیل شده‌اند. هدف پژوهش حاضر ارزیابی نقش این تعاونی‌ها در بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی قالببافان استان همدان است. جامعه آماری تحقیق را اعضاء تعاونی‌های فرش دستباف استان همدان تشکیل می‌دهند که بر اساس فرمول کوکران ۲۱۴ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین با توجه به هدف تحقیق به تعداد برابر ($n=214$) از قالببافان غیر عضو تعاونی‌ها جهت مقایسه وضعیت اقتصادی - اجتماعی دو گروه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت انتساب متناسب طبقه‌ای و در مرحله بعد به صورت تصادفی بوده است. مهمترین ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که روایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ برآورد شد. نتایج نشان داد که بین قالببافان عضو و غیر عضو تعاونی‌ها به لحاظ میزان تولید، درآمد حاصل از قالببافی، دسترسی به وام و تسهیلات قالببافی، دسترسی به مواد اولیه و

^۱ نویسنده مسئول: همدان - چهارباغ شهید مصطفی احمدی روشن - دانشگاه بوعلی سینا - کد پستی

ابزار قالببافی، میزان تعامل اجتماعی، میزان آگاهی اجتماعی و دانش و آگاهی تخصصی قالببافی تفاوت معنی‌دار در سطح یک درصد وجود دارد. به طوری که قالببافان عضو تعاونی از وضعیت بهتری در مقایسه با قالببافان غیر عضو برخوردار بوده‌اند. همچنین نتایج نشان داد بین عضویت در تعاونی و برخورداری از خدمات بیمه، دریافت وام و تسهیلات قالببافی و شرکت در دوره‌های آموزشی رابطه معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. در مجموع می‌توان گفت تعاونی‌های فرش دستباف روستایی استان همدان نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی قالببافان استان داشته‌اند.

کلید واژگان: تعاونی فرش دستباف روستایی، قالببافان، اثرات اقتصادی، اثرات اجتماعی، استان همدان.

مقدمه

دوام و پایداری هر روستا در گرو پویایی و دوام اقتصاد آن است و از همین رو علت تخلیه و متروک شدن بسیاری از روستاهای کشور، ضعف و ناکارآمدی اقتصاد آن‌ها است. تنوع فضایی روستاهای ایران سبب بهره‌وری‌های اقتصادی متنوع در روستاها شده؛ به گونه‌ای که در بعضی نواحی روستایی ایران فعالیت‌های اقتصادی در سطوح گوناگون و با ویژگی‌های خاص شکل گرفته است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۰۰). صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه روستایی می‌تواند با رسیدن به تنوع بخشی بهینه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در جوامع روستایی افزایش یابد؛ بنابر این تعادل میان تنوع بخشی و تخصصی سازی، کلید حل مشکلات توسعه روستایی است (رزوف^۱، ۲۰۰۵: ۶۲۱). در این میان توجه به صنایع دستی با توجه به این که از گذشته های دور در اغلب مناطق روستایی کشور رواج داشته است، از اهمیت زیادی در جهت تنوع بخشی به اقتصاد روستایی برخوردار است.

فرش دستباف عمده‌ترین و اصیل‌ترین صنعت دستی کشور است. این صنعت از لحاظ اشتغال به ویژه در مناطق روستایی و صادرات غیر نفتی جایگاه مهمی دارد و بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد. جدا از ابعاد اقتصادی، فرش کالای فرهنگی است که هویت ملی در گرو آن است و توجه بدان آن از اهمیت زیادی برخوردار است. فرش دستباف در اکثر روستاها و مناطق عشایر نشین کشور بافته می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۸۰) و در حال

^۱ - Rizov

حاضر یکی از شیوه‌های مهم تولید فرش دستباف در کشور، تولید به صورت تعاونی است (مظهری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۰). تعاونی‌های فرش دستباف تشکلهای اقتصادی و تولیدی هستند که براساس قانون تعاون و در چارچوب اساسنامه مصوب و بر مبنای نیازهای مشترک بافندگان فرش و برای نیل به اهداف از پیش تعیین شده تشکیل شده‌اند (سلطانی‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۶).

صاحب‌نظران معتقدند این واحدهای اقتصادی و اجتماعی با توجه به اثرات مثبتی که دارند، می‌توانند در راستای توسعه روستایی و کمک به اقشار آسیب‌پذیر مثرثمر باشند. تعاونی‌های فرش دستباف را می‌توان ابزاری در جهت بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد کم درآمد، افزایش منابع سرمایه‌های فردی و ملی، توزیع عادلانه سود در اقتصاد و افزایش سطح درآمد ملی، بهبود شرایط و تکمیل خدمات اجتماعی، کمک به ارتقای سطح دانش عمومی و فنی اعضا دانست.

استان همدان جایگاه ویژه‌ای در صنعت فرش دستباف کشور دارد. در حال حاضر در این استان ۸ تعاونی تولید فرش دستباف روستایی و یک اتحادیه شرکت‌های تعاونی فرش دستباف وجود دارد که عمده فعالیت‌های آن‌ها خدماتی و تولیدی است. تعداد اعضا تعاونی‌های فرش دستباف استان براساس آمارهای اداره بازرگانی استان همدان در مجموع ۲۳۴۳۷ نفر است که از این تعداد ۴۷۰۱ نفر فعال هستند.

با توجه به اهمیت صنعت فرش دستباف در تنوع بخشی به اقتصاد روستایی کشور در شرایطی که محدودیت فرصت‌های اشتغال در بخش کشاورزی وجود دارد و نیز نظر به این که یکی از مهمترین اشکال تولید فرش دستباف در کشور تولید به شیوه تعاونی می‌باشد و بیش از سه دهه از تشکیل آن‌ها سپری شده است، مسأله پژوهش حاضر این است که آیا تعاونی‌های فرش دستباف استان همدان توانسته‌اند وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضا خود را بهبود بخشند. بنابراین هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی قالیبافان استان همدان می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

نظام تولیدی عبارت است از: «نظامی مشتمل بر شیوه‌های رسمی و عرفی فراهم آوری و کاربرد منابع و عوامل تولید که در چارچوب مقیاس، تکنولوژی، سازمان کار و مناسبات اجتماعی معین به منظور دستیابی به محصول و عرضه آن، شکل یافته باشد» (نجفی، ۱۳۷۴). نظام‌های تولیدی در میزان تولید و تخصیص منابع در بخش‌های مختلف اقتصادی نقش مهمی

داشته و فرایند رقابتی شدن فعالیت‌های تولیدی را سرعت بخشیده و در نهایت سبب افزایش منافع اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌شوند (مظهری و همکاران، ۱۳۸۸).

در صنعت فرش دستباف کشور سه نظام تولیدی تحت عنوان خویش‌فرمایی، کارفرمایی و مشارکتی (تعاونی) پدید آمده است که هر کدام از نظام‌های تولیدی یاد شده دارای ویژگی‌های هستند که آن‌ها را از یکدیگر مجزا می‌کند (مظهری و همکاران، ۱۳۸۸).

۱- نظام تولید خویش‌فرمایی: در این نظام تولیدی، واحدها و یا کارگاه‌های تولیدی عمدتاً به صورت انفرادی و خانگی است و مدیریت به صورت مستقیم و اجرای کلیه مراحل تولید فرش برحسب تصمیمات شخص بافنده انجام می‌گیرد. در نظام تولید خویش‌فرمایی که «شیوه تولید به حساب خود» نیز گفته می‌شود، مواد اولیه و ابزار قالببافی و همچنین نقشه‌ها توسط خود بافنده تأمین می‌شود و هر بافنده بسته به ذوق و سلیقه خود و با توجه به امکانات و محدودیت‌هایی که با آن روبروست نسبت به انتخاب نقشه و نوع بافت و همچنین مدت زمان بافت، اقدام می‌کند و پس از اتمام کار بافت فرش، محصول تولیدی خود را به فروش می‌رساند (پاشا، ۱۳۸۰، کیانی ابری و خاقانی، ۱۳۸۵).

در بعضی موارد نیز بافندگان در این نظام، تولید فرش را براساس سفارش‌پذیری انجام می‌دهند. در این حالت سفارش‌دهنده براساس قرارداد رسمی و یا غیر رسمی طرح فرش مورد نظر خود را به بافنده داده و براساس موعد مقرر و قیمت مشخص فرش را از بافنده تحویل می‌گیرد. در حالت سفارش‌پذیری در نظام خویش‌فرمایی سود یا زیان حاصله متوجه بافنده است. بنابراین بافنده مسئول کمیت و کیفیت کار خویش است لذا سعی می‌کند با توجه به وقت و امکانات قابل دسترس خود، فرایند تولید فرش را تعدیل نموده و با وضعیت و خواسته‌های خود و اعضاء خانواده سازگار نماید (مظهری و همکاران، ۱۳۸۶).

۲- نظام تولید کارفرمایی: منظور از نظام تولید کارفرمایی، نظام تولیدی است که در آن کارفرما ممکن است یک فرد یا یک نهاد دولتی باشد، که نسبت به تأمین مواد اولیه، دار قالی و نقشه اقدام و پس از تولید محصول و پرداخت دستمزد به بافنده یا بافندگان، محصول تولیدی را خود شخصاً به فروش می‌رساند. واحدهای تولیدی که تحت این نظام به فعالیت مشغول‌اند ممکن است از نظر مالکیت خصوصی و یا دولتی باشند. یکی از مهمترین واحدهایی که دارای مالکیت خصوصی بوده و تحت این نظام مبادرت به تولید می‌کنند، واحدهای تولیدی خانگی و کارگاهی هستند که تحت عنوان «تولید به حساب دیگران» به بافت فرش مشغول هستند. در واقع در این شیوه تولیدی بافندگان به سفارش شخص یا اشخاص حقوقی یا حقیقی در خانه و یا کارگاه

فرش را بافته و در قبال دریافت دستمزد معین، فرش را به سفارش دهنده تحویل می دهند. در این حالت مواد اولیه و نقشه را سفارش دهنده تهیه می کند و تمام سود و زیان حاصله ناشی از فروش فرش نیز متوجه سفارش دهنده یا کارفرما است (مظهری و همکاران، ۱۳۸۸، کیانی ابری و خاقانی، ۱۳۸۵).

۳- **نظام تولید مشارکتی (تعاونی تولید):** منظور از نظام مشارکتی همان تعاونی های تولید فرش دستباف هستند که از یکی از نهادهای دولتی مجوز تأسیس دریافت نموده اند (مظهری و همکاران، ۱۳۸۶). در نظام تعاونی تولید یا مشارکتی فرش دستباف، تعدادی از بافندگان به طور مشترک مواد اولیه و وسایل قالیبافی را تهیه می کنند و در تمام مراحل تولید، اعضا با هم همکاری دارند و دارای تصمیم گیری مشترکی در مراحل تولید فرش هستند (زمانی، ۱۳۸۰). این تعاونی ها از مهم ترین اشکال تولید فرش دستباف در کشور هستند که با هدف حمایت از قشر محروم و مولد قالیباف کشور و سازماندهی آن ها در قالب نظام تعاونی، به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی در این هنر و صنعت ملی و بازگشت حداکثر ارزش افزوده ناشی از تولید و تجارت فرش دستباف به بافندگان و همچنین بهبود کیفی تولیدات و توسعه صادرات فرش دستباف ایران تشکیل شده اند (اداره کل امور تعاونی ها، ۱۳۷۴: ۸).

اتحادیه بین المللی تعاون^۱ (۱۳۷۷) تعاونی را همکاری دسته جمعی مردم در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی تعریف کرده است. در حقیقت تعاونی ها ابزار مناسبی برای همکاری مردم به شمار می روند و در رسیدن به توسعه نقش مهمی ایفا می کنند. ساندالی^۲ (۲۰۰۹) بر این باور است که تعاونی ها به کاهش اختلافات منطقه ای، تعدیل نابرابری ها به ویژه کاهش فاصله مناطق شهری و روستایی می انجامند. سافکلی^۳ (۲۰۰۲) نیز معتقد است تعاونی های تولید دارای نقش مهمی در اقتصاد کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه هستند و این وظیفه را از طریق بهبود وضعیت بازاریابی، اشتغال زایی و کاهش هزینه های تولید عملی می کنند. این تعاونی ها در برقراری توسعه اجتماعی، عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی نیز سهیم هستند. تحقیقات چامپکو^۴ (۲۰۰۶) در چین و کره جنوبی نیز بیانگر این است که تعاونی های تولید رهیافتی مناسب جهت دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز تحقق عدالت اجتماعی به شمار می روند.

^۱ - International Co-operative Alliance (ICA)

^۲ - Sandalie

^۳ - Safakli

^۴ - Champko

پیشینه تحقیق

صاحب‌نظران معتقدند تعاونی‌های فرش دستباف نیز با توجه به اثرات مثبتی که دارند، می‌توانند در راستای بهبود وضعیت صنعت فرش دستباف و همچنین بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه قالیباف کشور مثرتر باشند. این تعاونی‌ها فعالیت‌ها و اقدامات متعددی شامل تهیه و توزیع مواد اولیه، تأمین تجهیزات مورد نیاز بافندگان، نظارت و کنترل کیفی تولیدات، استاندارد نمودن مواد اولیه و ابزار کار و نیز بازاریابی و فروش فرش‌های تولید شده را صورت می‌دهند (صبوری خسروشاهی و همکاران، ۱۳۸۰، خوشفر، ۱۳۷۹). مطالعه مظهري و همکاران (۱۳۸۶) نشان داد که در استان خراسان طی دوره زمانی مورد بررسی از نظر شاخص اقتصادی، شاخص اجتماعی، شاخص مدیریتی و شاخص کیفیت فرش دستباف، نظام تولیدی تعاونی فرش دستباف دارای بیشترین میزان عملکرد در بین نظام‌های تولیدی سه‌گانه بوده است. صبوری خسروشاهی (۱۳۸۰) طی مطالعه‌ای در خصوص عملکرد شرکت‌های تعاونی فرش دستباف در سه استان کشور به این نتیجه رسید که مواد اولیه تهیه شده توسط تعاونی‌ها نسبت به مواد اولیه‌ای که از بازار خریداری می‌شود از کیفیت بهتری برخوردار است و تعاونی‌ها در تهیه مواد اولیه برای اعضاء خود تا حدودی موفق بوده‌اند. در خصوص نظارت و کنترل کیفی بر تولیدات اعضاء خود نیز تعاونی‌های فرش دستباف چندان موفق نبوده‌اند. در کل بخش اعظم بافندگان عضو تعاونی‌های فرش دستباف از تسهیلات مالی بی بهره هستند و عملکرد تعاونی‌های فرش دستباف چه به لحاظ ارائه خدمات به بافندگان عضو و چه به لحاظ ارتقاء وضعیت اقتصادی آنان چندان مناسب نبوده است. طاهرخانی و حیدری ساربان (۱۳۸۳) به این نتیجه رسیدند که عضویت در تعاونی‌های تولیدی به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان و در نهایت به توسعه مناطق روستایی شهرستان مشکین شهر انجامیده است. بدخشان طرقي (۱۳۸۶) در مطالعه خود با عنوان بررسی راهکارهای توسعه تعاونی‌های فرش دستباف در استان خراسان شمالی به این نتیجه رسید که تعاونی‌ها در مؤلفه‌های بازاریابی، اختصاص وام، تهیه مواد اولیه و مرغوب، حذف دلالان فرش، کیفیت و نوآوری در فرش دستباف و بالا بردن بهره‌وری تا حدودی به اهداف مورد نظر دست پیدا کرده‌اند. جیمز و سیکوتا^۱ (۲۰۰۴) طی مطالعه‌ای نشان دادند که اعضاء تعاونی تولید در مقایسه با دیگر اعضاء جامعه روستایی، جایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری دارند.

^۱ - James & Sykuta

شکل گیری تعاونی های تولیدی زنان در حوزه صنایع دستی و بخصوص فرش دستباف اثرات اقتصادی و اجتماعی بسیاری به دنبال داشته است. به همین دلیل است که این موضوع در بیشتر کشورها مورد توجه ویژه قرار گرفته است. وارنر و کریستنسون^۱ (۱۹۸۴) معتقدند که تعاونی ها علاوه بر مزایای اقتصادی در زمینه های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی نیز مؤثر هستند. گلاسر^۲ (۱۹۹۴) در مطالعه ای که در بولیوی انجام داد، به این نتیجه رسید که یکی از عوامل ایجاد انگیزه مشارکت زنان در تعاونی ها، ترقی پایگاه اجتماعی و بهبود موقعیت اقتصادی آنان است. به طوری که اعضا این تعاونی ها بر سرنوشت خود کنترل بیشتری یافته اند و در تصمیم گیری های خانه از نفوذ موثرتری برخوردار شده اند و همچنین منابع لازم را برای سرمایه گذاری در جهت آموزش فرزندان خویش بدست آورده اند.

نتایج تحقیق ونتورا^۳ (۱۹۹۴) در کشورهای اروپایی نشان می دهد تعاونی ها در سه حوزه صنایع دستی و خانگی، توریسم کشاورزی و تولیدات فرهنگی اثرات اقتصادی و اجتماعی چون ایجاد تحرک اجتماعی در زنان عضو، افزایش درآمد خانواده، تحرک در اقتصاد محلی و ایجاد فرصت های جدید اشتغال داشته اند. مطالعه کوتسو^۴ (۲۰۰۳) در خصوص تعاونی های زنان روستایی مرتبط با صنایع دستی در یونان نشان داد این تعاونی ها درآمد زنان عضو را افزایش داده و احساس رضایتمندی را در آن ها ارتقاء داده است.

پامپل^۵ (۲۰۰۷) در زمینه تعاونی های روستایی در گامبیا به این نتیجه رسید که تعاونی ها در اموری همچون تأمین نهاده ها و ابزار آلات و نیز تأمین اعتبارات بانکی برای اعضا دارای فعالیت جدی بوده و در این راستا ۹۵ درصد اعضا از عملکرد آن ها رضایت کامل داشته اند. سیگال^۶ (۲۰۱۰) نیز در مطالعه ای تعاونی های فیلیپین، قرار دادن وسایل کار در اختیار افراد، پیشگیری از تمرکز ثروت دست افراد و گروه های خاص در راستای تحقق عدالت اجتماعی، حذف واسطه های غیر ضروری در کسب و کار، گسترش تفاهم متقابل و آموزش در میان اعضا را از جمله آثار تشکیل تعاونی ها عنوان کرده است.

بررسی مطالعات انجام شده در خصوص اثرات اقتصادی - اجتماعی تعاونی ها به ویژه تعاونی های فرش دستباف بیانگر آن است که این تعاونی ها اثراتی در سطح کلان و خرد به همراه

^۱ - Warner & Christenson

^۲ - Golasser

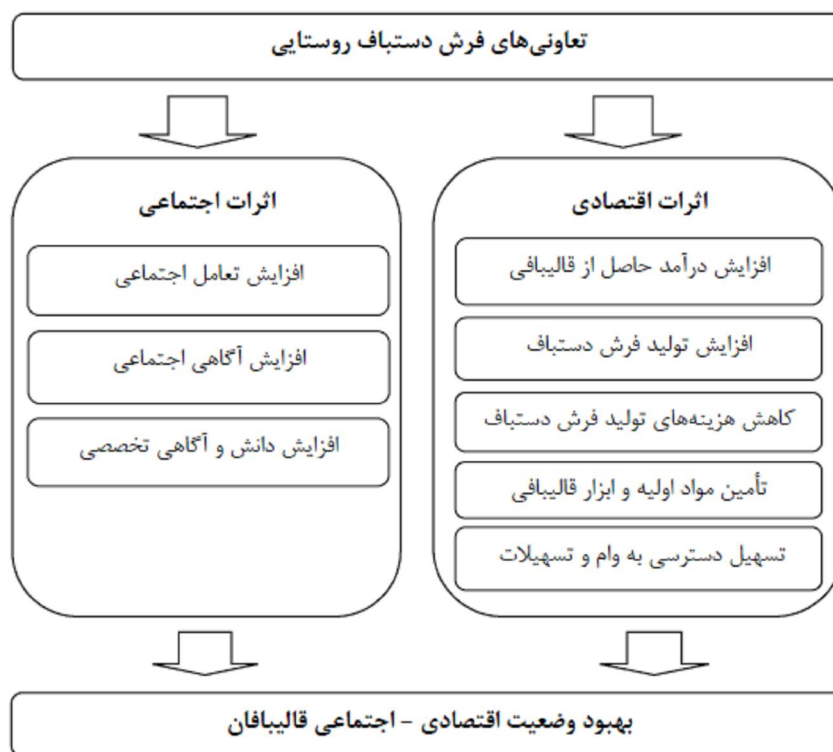
^۳ - Ventura

^۴ - Koutsou

^۵ - Pampel

^۶ - Siegal

داشته‌اند که بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی قالیبافان عضو از مهم‌ترین اثرات آن‌ها در سطح خرد می‌باشد. از جمله اثرات اقتصادی تعاونی‌های فرش دستباف می‌توان به افزایش درآمد، افزایش کمیت فرش دستباف، کاهش هزینه‌های تولید، تأمین مواد اولیه، تأمین ابزار کار و تأمین تسهیلات و اعتبارات و از جمله اثرات اجتماعی آن‌ها نیز می‌توان به افزایش مشارکت اجتماعی، افزایش سطح آگاهی و آموزش، بهبود کیفیت زندگی، افزایش رضایت از کار و زندگی، افزایش منزلت اجتماعی، بهبود شرایط کارگاه و محیط کار و برخورداری از خدمات اجتماعی اشاره کرد. بنابراین مدل مفهومی تحقیق به صورت زیر می‌باشد.



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

عموماً پژوهش‌های پیمایشی- تطبیقی یا مقایسه‌ای فرضیه دارند، زیرا در این نوع پژوهش‌ها محقق باید بگوید که بر چه اساسی انتظار دارد مقایسه انجام شده به نتایجی برسد

(کومار، ۱۳۸۱). بنابراین به منظور دستیابی به اهداف اختصاصی پژوهش فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

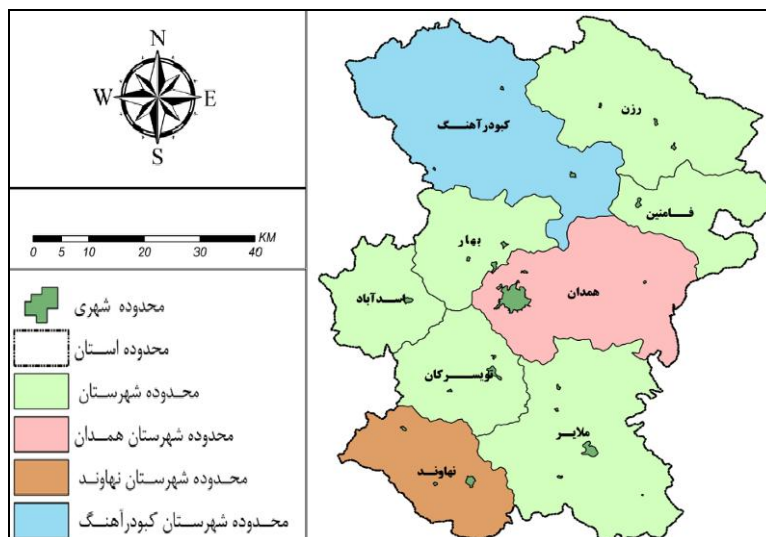
- تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در بهبود وضعیت اقتصادی (میزان تولید فرش دستباف، درآمد حاصل از قالیبافی، دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی و دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی) قالیبافان استان همدان مؤثر بوده‌اند.

- تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در بهبود وضعیت اجتماعی (میزان تعامل اجتماعی، سطح آگاهی اجتماعی، سطح دانش و آگاهی تخصصی) قالیبافان استان همدان مؤثر بوده‌اند.

منطقه مورد مطالعه

استان همدان با ۱۹۴۹۳ کیلومتر مربع وسعت، از سمت شمال به استان‌های زنجان و قزوین، از سمت جنوب به استان لرستان، از سمت شرق به استان مرکزی و از سمت غرب به استان‌های کردستان و کرمانشاه محدود شده‌است. این استان بین مدارهای ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته و شامل ۹ شهرستان، ۲۵ بخش، ۲۷ شهر، ۷۳ دهستان و ۱۱۲۰ روستا است. جمعیت استان بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۱۶۷۴۵۹۵ نفر بوده است.

این استان به عنوان یکی از مناطق تولید فرش دستباف در کشور جایگاه ویژه‌ای در صنعت مذکور دارد و تولید فرش در استان مزیت نسبی بالایی دارد (پاشا، ۱۳۸۰). تعاونی‌های فرش دستباف روستایی از جمله تشکلهای فرش دستباف در استان هستند که تعداد زیادی از بافندگان را تحت پوشش قرار داده‌اند. سابقه تشکیل این تعاونی‌ها به سال ۱۳۶۶ بر می‌گردد. در حال حاضر در استان ۸ تعاونی و یک اتحادیه تعاونی‌های فرش دستباف روستایی وجود دارد که در زمینه خدماتی - تولیدی فعالیت می‌کنند. تعداد اعضا این تعاونی‌ها ۲۳۴۳۷ نفر است که از این تعداد ۲۱۸۹۹ نفر زن و ۱۵۳۸ نفر مرد هستند. در این پژوهش تعاونی‌های فرش دستباف روستایی شهرستان‌های همدان، کبودرآهنگ و نهاوند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.



شکل (۲) موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های مورد مطالعه

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از شیوه تحلیلی و توصیفی به بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی تعاونی‌های فرش دستباف روستایی استان همدان پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش را قالیبافان عضو تعاونی‌های فرش دستباف استان همدان تشکیل می‌دهند که براساس فرمول کوکران ۲۱۴ نفر از آن‌ها انتخاب و به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. اما با توجه به هدف تحقیق به تعداد برابر ($n=214$) از قالیبافان غیر عضو تعاونی جهت مقایسه وضعیت اقتصادی - اجتماعی دو گروه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر طبقه‌ای است، به طوری که ابتدا شهرستان‌های استان به سه طبقه برخوردار (همدان و ملایر)، نیمه برخوردار (کبودرآهنگ، تویسرکان و بهار) و محروم (اسدآباد و نهاوند) تقسیم بندی شده و سپس از هر طبقه یک شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شده است. به این ترتیب شهرستان‌های همدان، نهاوند و کبودرآهنگ انتخاب و اثرات اقتصادی- اجتماعی تعاونی‌های فرش دستباف روستایی این شهرستان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

پرسشنامه مهم ترین ابزار جمع آوری داده‌ها در این پژوهش است که در کنار آن از مصاحبه و مشاهده نیز استفاده شد. پس از تعیین جامعه و شناخت آن با انجام یک مطالعه راهنما و تکمیل ۳۰ پرسشنامه و تحلیل نتایج آن اصلاحات لازم در ابزار سنجش به عمل آمد و پایایی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ($0/81$) مورد تأیید قرار گرفت. در تحلیل داده‌ها

متناسب با سطح اندازه گیری متغیرها و در چارچوب اهداف پژوهش از روش های آماری مختلف استفاده شده است. در بخش توصیف داده ها از آماره های فراوانی، انحراف معیار و میانگین و به منظور تحلیل داده ها از آزمون های مقایسه میانگین t و من ویت نی و ضرایب همبستگی استفاده شده است. در ارزیابی اثرات اقتصادی - اجتماعی تعاونی های فرش دستباف از شاخص - های جدول (۱) استفاده شده است.

جدول (۱) شاخص های اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی

شاخص	متغیرهای وابسته تحقیق	سطح سنجش
شاخص های اقتصادی	میزان تولید فرش دستباف در طول یک سال	فاصله ای
	درآمد حاصل از قالیبافی در طول یک سال	فاصله ای
	دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی	رتبه ای
	دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی	رتبه ای
شاخص های اجتماعی	میزان تعامل اجتماعی	رتبه ای
	سطح آگاهی اجتماعی	رتبه ای
	سطح دانش و آگاهی تخصصی	فاصله ای

یافته های تحقیق

- ویژگی های فردی جامعه مورد مطالعه

براساس نتایج بدست آمده میانگین سن قالیبافان عضو تعاونی فرش دستباف در حدود ۴۲ سال با انحراف معیار ۹ سال و میانگین سن قالیبافان غیر عضو تعاونی در حدود ۴۰ سال با انحراف معیار ۱۰ سال می باشد. سابقه قالیبافی در جامعه قالیبافان عضو تعاونی به طور میانگین در حدود ۲۳ سال و در جامعه قالیبافان غیر عضو ۱۹ سال است.

در جامعه قالیبافان عضو تعاونی بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه (۶۲/۱ درصد) از مزایای بیمه برخوردار هستند. این در حالی است که در جامعه قالیبافان غیر عضو تعاونی تنها ۱۸/۲ درصد از مزایای بیمه برخوردارند. بنابراین قالیبافان عضو تعاونی فرش دستباف در مقایسه با قالیبافان غیر عضو از وضعیت بهتری در زمینه دریافت خدمات بیمه ای برخوردار هستند.

جدول شماره ۲- ویژگی های فردی جامعه مورد مطالعه

قالیبافان عضو تعاونی فرش دستباف				قالیبافان غیر عضو تعاونی فرش دستباف			
متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	کمینه
سن	۴۲/۰۴	۹/۲۶	۱۹	۶۵	۴۰	۱۰/۰۲	۱۳
سابقه قالیبافی	۲۳/۱۸	۱۲/۴۵	۱	۵۲	۱۹/۲۷	۱۴/۴۸	۱

میزان تولید سالانه فرش دستباف جامعه قالیبافان عضو تعاونی بین ۰/۷ تا ۱۸ متر مربع متغیر بوده است (میانگین ۴/۷۰ متر مربع با انحراف معیار ۲/۸۸). میزان تولید فرش دستباف جامعه قالیبافان غیر عضو بین ۰/۲ تا ۱۲ متر مربع متغیر است (میانگین ۳/۱۸ متر مربع با انحراف معیار ۲/۱۶). به عبارتی میزان تولید قالیبافان عضو تعاونی بیشتر از قالیبافان غیر عضو است.

نتایج نشان می‌دهد درآمد حاصل از قالیبافی قالیبافان عضو تعاونی فرش دستباف بین ۳۵۰ تا ۹۲۵۰۰ هزار ریال متغیر بوده (میانگین ۶۲۴۰ هزار ریال) این رقم برای قالیبافان غیر عضو در طول یک سال بین ۱۰۰ تا ۴۱۰۰۰ هزار ریال متغیر بوده است (میانگین حدود ۳۵۰۰ هزار ریال). بنابر این میانگین درآمد حاصل از قالیبافی قالیبافان عضو در مقایسه با قالیبافان غیر عضو بیشتر بوده و قالیبافان این گروه درآمد بیشتری کسب کرده‌اند.

جدول (۳) مقدار فرش تولیدی و درآمد قالیبافی بافندگان فرش دستباف

قالیبافان	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
تولید فرش (متر مربع)	عضو تعاونی	۴/۷۰	۲/۸۸	۰/۷
	غیر عضو تعاونی	۳/۱۸	۲/۱۶	۰/۲
درآمد قالیبافی (هزار ریال)	عضو تعاونی	۶۲۴۰	۱۰۳۵۰	۳۵۰
	غیر عضو تعاونی	۳۵۰۰	۴۶۱۷	۱۰۰

براساس نتایج بدست آمده ۳۵/۵ درصد قالیبافان عضو تعاونی فرش دستباف تاکنون موفق به دریافت وام و تسهیلات قالیبافی شده‌اند. در حالی که در جامعه قالیبافان غیر عضو تعاونی تنها حدود ۷ درصد از آن‌ها موفق به دریافت این تسهیلات شده‌اند. به عبارتی دسترسی قالیبافان عضو در مقایسه با قالیبافان غیر عضو به وام و تسهیلات قالیبافی بیشتر است.

یکی از خدمات تعاونی‌ها تأمین نهاده‌های با کیفیت و قیمت مناسب برای اعضاء است. نتایج بیانگر آن است که میزان رضایت اعضاء تعاونی از نهاده‌های در دسترس در مقایسه با جامعه غیر عضو بیشتر است. در هر دو گروه قالیبافان به ابزار قالیبافی مناسب دسترسی داشته‌اند، اما در مجموع به لحاظ دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی وضعیت قالیبافان عضو تعاونی بهتر از قالیبافان غیر عضو است.

جدول (۴) اولویت بندی متغیرهای دسترسی به مواد اولیه و ابزار و وسایل قالببافی

دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالببافی	قالببافان عضو تعاونی		قالببافان غیر عضو تعاونی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دسترسی به ابزار قالببافی مناسب	۳/۹۹	۰/۷۴۸	۳/۴۰	۰/۸۵۴
دسترسی به مواد اولیه مرغوب	۴/۰۱	۰/۷۸۴	۳/۳۰	۰/۸۵۴
دسترسی به مواد اولیه با قیمت مناسب	۳/۵۸	۰/۷۸۲	۲/۸۵	۰/۹۱۲
دسترسی به دار قالببافی مناسب	۳/۸۰	۰/۸۶۶	۳/۲۸	۰/۹۰۳
دسترسی به نقشه های جدید فرش	۳/۲۸	۰/۸۹۶	۲/۷۲	۰/۹۷۴

- میانگین از ۵

تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی فرایندی است که منجر به برقراری ارتباط متقابل میان افراد یک گروه می-شود. نتایج حاکی از آن است که میانگین متغیرهای تشکیل دهنده شاخص تعامل اجتماعی در دو گروه مورد بررسی متفاوت است، به طوری که میانگین ها در جامعه قالببافان عضو در مقایسه با قالببافان غیر عضو تعاونی در همه متغیرهای تشکیل دهنده این شاخص بیشتر بوده و به عبارتی میزان تعامل اجتماعی آن ها بیشتر از قالببافان غیر عضو تعاونی است.

جدول (۵) اولویت بندی متغیرهای تعامل اجتماعی

متغیرهای تعامل اجتماعی	قالببافان عضو تعاونی		قالببافان غیر عضو تعاونی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
همکاری با قالببافان آشنا	۳/۵۳	۰/۸۸۸	۳	۱/۰۶۵
کمک به بافت فرش قالببافان آشنا	۳/۵۱	۰/۹۲۳	۲/۹۷	۰/۹۹۲
ارتباط با قالببافان آشنا	۳/۵۷	۰/۹۴۶	۳/۰۳	۱/۰۲۴
ارتباط با شکل های فرش دستباف	۳/۴۱	۰/۹۰۸	۲/۳۰	۰/۹۵۲
قرض دادن مواد اولیه به قالببافان آشنا	۳/۵۱	۰/۹۵۵	۳/۰۰	۱/۰۱۱
ارتباط با کارشناسان فرش دستباف	۳/۱۹	۱/۰۴۰	۲/۵۳	۱/۰۵۹
برگزاری جلسه برای حل مشکلات	۲/۴۹	۰/۹۸۹	۲/۱۴	۰/۹۸۰
ارتباط با اداره فرش سازمان بازرگانی	۲/۴۰	۱/۰۶۶	۱/۶۶	۰/۸۳۵

- میانگین از ۵

سطح آگاهی اجتماعی

در این تحقیق آگاهی اجتماعی به آگاهی ها و اطلاعات قالببافان در خصوص مسائل مربوط به صنعت فرش دستباف اطلاق می شود. جهت سنجش سطح آگاهی اجتماعی دو گروه قالببافان از

پنج متغیر زیر استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده میانگین میزان آگاهی اجتماعی قالیبافان عضو تعاونی در مقایسه با قالیبافان غیر عضو تعاونی در هر پنج متغیر بررسی شده بیشتر بوده است.

جدول (۶) اولویت بندی متغیرهای آگاهی اجتماعی

متغیرهای آگاهی اجتماعی		قالیبافان عضو تعاونی		قالیبافان غیر عضو تعاونی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آگاهی از وضعیت بازار فرش دستباف		۳/۱۸	۰/۹۰۲	۲/۳۱	۰/۸۸۵
آگاهی از طرح ها و نقشه های جدید		۳/۱۴	۰/۹۱۰	۲/۳۴	۰/۸۹۹
آگاهی از مشکلات صنعت فرش دستباف		۳/۱۱	۰/۹۳۵	۲/۳۲	۰/۸۵۳
آگاهی از تکنولوژی های جدید قالیبافی		۲/۷۰	۰/۸۲۶	۱/۹۹	۰/۸۹۲
آگاهی از حمایت های دولت از قالیبافان		۳/۳۵	۱/۰۳۶	۲/۳۴	۰/۹۰۹

- میانگین از ۵

سطح دانش و آگاهی تخصصی

به منظور سنجش سطح دانش و آگاهی تخصصی قالیبافان ۱۰ سوال در زمینه های مختلف حرفه قالیبافی استفاده شد. براساس نتایج نشان می دهد سطح دانش و آگاهی تخصصی اکثریت قالیبافان عضو تعاونی (۴۰/۷ درصد) در حد خوب است و تنها میزان دانش و آگاهی تخصصی ۷/۵ درصد از آن ها در حد ضعیف می باشد. در حالی که در گروه قالیبافان غیر عضو تعاونی میزان دانش و آگاهی تخصصی اکثریت افراد مورد مطالعه (۴۱/۶ درصد) در حد متوسط و تنها میزان دانش و آگاهی تخصصی ۷ درصد از افراد این گروه در حد عالی است.

جدول (۷) توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب سطح دانش و آگاهی تخصصی

سطح دانش و آگاهی تخصصی			قالیبافان عضو تعاونی			قالیبافان غیر عضو تعاونی		
			فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
ضعیف			۱۶	۷/۵	۷/۵	۳۰	۱۴	۱۴
متوسط			۵۶	۲۶/۲	۳۳/۶	۸۹	۴۱/۶	۵۵/۶
خوب			۸۷	۴۰/۷	۷۴/۳	۸۰	۳۷/۴	۹۳
عالی			۵۵	۲۵/۷	۱۰۰	۱۵	۷	۱۰۰
جمع			۲۱۴	۱۰۰	-	۲۱۴	۱۰۰	-

-مقایسه میانگین شاخص های اقتصادی

در این تحقیق به منظور مقایسه وضعیت اقتصادی - اجتماعی دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی های فرش دستباف از آزمون های مقایسه میانگین t و من ویت نی (U- Test) استفاده شده است.

نتایج مقایسه میانگین میزان تولید فرش دستباف در بین دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی نشان می دهد که بین میزان تولید آن ها در طول یک سال تفاوت معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد. به طوری که میزان تولید قالیبافان عضو تعاونی بیشتر از قالیبافان غیر عضو بوده است. به عبارتی تأثیر تعاونی های فرش دستباف در افزایش تولید قالیبافان عضو مثبت بوده و تعاونی ها با توجه به خدماتی که به اعضا خود ارائه می دهند زمینه افزایش تولید آن ها را فراهم کرده اند.

نتایج مقایسه میانگین میزان درآمد حاصل از قالیبافی در بین دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی بیانگر آن است که بین میزان درآمد قالیبافی قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی فرش دستباف در طول یک سال تفاوت معنی داری در سطح ۱ درصد وجود دارد و درآمد قالیبافان عضو تعاونی در مقایسه با قالیبافان غیر عضو بیشتر است. با توجه به همبستگی بین میزان تولید و درآمد تعاونی ها با فراهم کردن شرایط مناسب برای تولید اعضا سبب افزایش درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضا شده اند.

در خصوص مقایسه میانگین رتبه ای دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی در بین دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی، نتایج آزمون من ویت نی نشان داد که بین دو گروه به لحاظ دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی تفاوت معنی دار در سطح ۱ درصد وجود دارد و قالیبافان عضو دسترسی بیشتری به وام و تسهیلات قالیبافی در مقایسه با قالیبافان غیر عضو داشته اند. عدم دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی همواره یکی از مهمترین مشکلات قالیبافان بوده (رضایی، ۱۳۸۵) و با توجه به نقش مثبتی که تعاونی ها در تسهیل دسترسی اعضا به وام و تسهیلات قالیبافی دارند، از این طریق سبب بهبود وضعیت اقتصادی قالیبافان عضو شده اند.

نتایج مقایسه میانگین دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی در بین دو گروه قالیبافان نشان داد که بین دو گروه به لحاظ دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی تفاوت معنی دار در سطح ۱ درصد وجود دارد و قالیبافان عضو دسترسی بیشتری به مواد اولیه و ابزار قالیبافی در مقایسه با قالیبافان غیر عضو داشته و از وضعیت بهتری در این زمینه برخوردار هستند. یکی از عوامل مؤثر در بهبود کیفیت فرش دستباف استفاده از مواد اولیه مرغوب در بافت فرش است که تعاونی ها

با ارائه مواد اولیه مرغوب زمینه بهبود کیفیت فرش دستباف تولیدی قالیبافان عضو را فراهم کرده و به طور غیر مستقیم سبب افزایش قیمت فروش فرش دستباف آن‌ها شده‌اند.

جدول (۸) نتایج مقایسه میانگین متغیرهای اقتصادی قالیبافان عضو و غیرعضو تعاونی

Sig	مقدار آماره	آزمون	میانگین قالیبافان		متغیرهای اقتصادی
			غیر عضو	عضو	
۰/۰۰۰	۳/۹۷۵ **	آزمون t	۳/۰۵	۴/۰۱	میزان تولید فرش (متر مربع)
۰/۰۰۰	۳/۵۶۱ **	آزمون t	۳۴۸۰۰۰۰	۶۲۴۰۰۰۰	میزان درآمد (ریال)
۰/۰۰۱	۲۵۲/۵ **	من ویت نی	۲۴/۸۳	۵۰/۱۸	دسترسی به وام و تسهیلات
۰/۰۰۰	۱۱۲۶۰ **	من ویت نی	۱۶۰/۱۳	۲۶۸/۸۷	دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی

** معنی داری در سطح ۰/۰۱

-مقایسه میانگین شاخص های اجتماعی

به منظور مقایسه میانگین سطح آگاهی اجتماعی، میزان تعامل اجتماعی و سطح دانش تخصصی دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی فرش دستباف از آزمون من ویت نی و آزمون t استفاده شده است.

در مورد سطح آگاهی اجتماعی نتایج نشان داد که تفاوت معنی داری بین دو گروه در سطح ۱ درصد از این نظر وجود دارد و سطح آگاهی اجتماعی قالیبافان عضو در مقایسه با قالیبافان غیر عضو بیشتر است. در حقیقت ارتباط قالیبافان با تعاونی زمینه ساز افزایش آگاهی آن‌ها در زمینه های مختلف حرفه قالیبافی بوده است. به لحاظ میزان تعامل اجتماعی نیز بین دو گروه تفاوت معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد و قالیبافان عضو در مقایسه با قالیبافان غیر عضو، با توجه به نتایج جدول شماره ۹ تعامل اجتماعی بیشتری در زمینه های مربوط به حرفه خود دارند.

مقایسه میانگین سطح دانش و آگاهی تخصصی دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی فرش دستباف با استفاده از آزمون t نشان داد تفاوت معنی دار در سطح ۱ درصد بین دو گروه وجود دارد و سطح دانش و آگاهی تخصصی قالیبافان عضو در مقایسه با قالیبافان غیر عضو بیشتر است. یکی از اهداف تعاونی های فرش دستباف افزایش سطح دانش و مهارت اعضاء است که تعاونی ها از طریق برگزاری دوره های آموزشی این امکان را به اعضاء خود می دهند که با شرکت در این دوره ها سطح دانش و آگاهی تخصصی خود را افزایش دهند.

جدول (۹) نتایج مقایسه میانگین متغیرهای اجتماعی قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی

Sig	مقدار آماره	آزمون	میانگین قالیبافان		متغیرهای اجتماعی
			غیر عضو	عضو	
۰/۰۰۰	۷۹۹۴ **	من ویت نی	۱۴۴/۵۳	۲۸۳/۱۵	آگاهی اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۰۲۱۰ **	من ویت نی	۱۷۵/۳۵	۲۵۰/۰	تعامل اجتماعی
۰/۰۰۰	۵/۷۵۲ **	آزمون t	۶/۱۶	۷/۱۵	دانش تخصصی

** معنی داری در سطح ۱ درصد

-مقایسه میانگین شاخص کلی اقتصادی و اجتماعی

به منظور مقایسه کلی دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی های فرش دستباف روستایی به لحاظ شاخص اقتصادی، مقادیر مربوط به میزان تولید فرش دستباف در طول یک سال، درآمد حاصل از قالیبافی در طول یک سال، دسترسی به وام و تسهیلات قالیبافی و دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی، ابتدا در نرم افزار SPSS استاندارد و در نهایت مجموع آن ها بدست آمده است. سپس با استفاده از آزمون t وضعیت اقتصادی دو گروه مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد بین دو گروه قالیباف عضو و غیر عضو تعاونی به لحاظ وضعیت اقتصادی تفاوت معنی دار در سطح ۱ درصد وجود دارد و وضعیت اقتصادی قالیبافان عضو در مقایسه با قالیبافان غیر عضو بهتر می باشد.

در مورد شاخص اجتماعی نیز مقادیر آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی و دانش تخصصی ابتدا استاندارد و سپس مجموع آنها بدست آمد. نتایج آزمون t در مورد مقایسه وضعیت اجتماعی دو گروه نشان می دهد که تفاوت معنی دار بین دو گروه در سطح ۱ درصد وجود دارد و قالیبافان عضو در مقایسه با قالیبافان غیر عضو تعاونی در وضعیت بهتری قرار دارند.

جدول (۱۰) نتایج مقایسه میانگین شاخص های اقتصادی و اجتماعی

Sig	مقدار آماره	آزمون	میانگین قالیبافان		شاخص
			غیر عضو تعاونی	عضو تعاونی	
۰/۰۰۰	۸/۲۸ **	آزمون t	-۰/۷۷۹	۰/۷۷۴	اقتصادی
۰/۰۰۰	۱۴/۳۵ **	آزمون t	-۱/۲۹	۱/۲۷	اجتماعی

** معنی داری در سطح ۱ درصد

- همبستگی بین متغیر عضویت در تعاونی و متغیرهای تحقیق

به منظور تعیین همبستگی بین متغیرها از ضرایب همبستگی کرامر و فی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بین عضویت در تعاونی و برخورداری از خدمات بیمه و دریافت وام و تسهیلات قالیبافی رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۱ درصد وجود دارد و قالیبافان عضو تعاونی دسترسی بیشتری به خدمات بیمه و تسهیلات قالیبافی دارند. به عبارتی تعاونی‌ها با فراهم کردن شرایط دریافت وام و تسهیلات قالیبافی و همچنین بیمه قالیبافی نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضا دارند.

برگزاری دوره‌های آموزشی از جمله عوامل افزایش سطح دانش و مهارت‌های افراد است. دوره‌های آموزشی که محتوای آن‌ها متناسب با نیازهای واقعی شرکت کنندگان باشد موجب افزایش تولیدات و در نهایت بهبود کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که تعاونی‌ها در این زمینه عملکرد خوبی داشته‌اند به طوری که بین عضویت در تعاونی فرش دستباف و دارا بودن مدرک فنی و حرفه‌ای و شرکت در دوره‌های آموزشی رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۱ درصد وجود دارد و قالیبافان عضو تعاونی دسترسی بیشتری به دوره‌های آموزشی مرتبط با قالیبافی دارند.

جدول (۱۱) نتایج همبستگی بین متغیر عضویت در تعاونی و متغیرهای تحقیق

متغیرها	r	سطح معنی داری
برخورداری از خدمات بیمه	۰/۴۵۹	۰/۰۰۰ **
دریافت وام و تسهیلات قالیبافی	۰/۳۵۵	۰/۰۰۰ **
مدرک فنی و حرفه‌ای	۰/۴۸۸	۰/۰۰۰ **
شرکت در دوره‌های آموزشی	۰/۳۵۳	۰/۰۰۰ **

** معنی داری در سطح ۱ درصد

نتیجه گیری و پیشنهادها

امروزه اقتصاد زراعی در مناطق روستایی جوابگوی نیازهای جامعه روستایی نبوده و فرصت‌های اشتغال در این بخش محدود می‌باشد، به طوری که در حال حاضر تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این میان صنعت فرش دستباف به علت پیوند دیرینه‌ای که با مناطق روستایی کشور دارد، می‌تواند به عنوان جزی از اقتصاد غیر زراعی روستایی مورد توجه قرار گیرد. در صنعت فرش دستباف نظام‌های تولیدی متنوعی وجود دارد که یکی از آن‌ها تعاونی‌های فرش دستباف روستایی

هستند که در حدود سه دهه از فعالیت آن‌ها می‌گذرد و در این مدت تعداد زیادی از قالیبافان کشور زیر نظر این تعاونی‌ها مشغول به فعالیت بوده و هستند. این تعاونی‌ها با خدماتی که به اعضا ارائه می‌دهند در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی منشاء اثراتی بوده‌اند. هدف اصلی این تحقیق بررسی اثرات این تعاونی‌ها در ابعاد اقتصادی و اجتماعی در بهبود وضعیت قالیبافان بوده است که به منظور بررسی این اثرات دو گروه قالیبافان عضو و غیر عضو تعاونی های فرش دستباف روستایی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دو گروه در بین شاخص‌های اقتصادی درآمد حاصل از قالیبافی، میزان تولید، دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالیبافی و دسترسی به تسهیلات قالیبافی در سطح یک درصد وجود دارد. به طوری که براساس نتایج بدست آمده قالیبافان عضو تعاونی در وضعیت بهتری به لحاظ شاخص‌های مذکور نسبت به قالیبافان غیر عضو قرار دارند. نتایج بدست آمده در این زمینه با نتایج مطالعات طاهرخانی و حیدری ساریان (۱۳۸۲) و ونتورا (۱۹۹۴) در خصوص نقش تعاونی‌ها در افزایش درآمد اعضا همخوانی وجود دارد. همچنین نتایج بدست آمده در خصوص نقش تعاونی‌ها در افزایش تولیدات اعضا با مطالعات انجام شده توسط بدخشان طرقي (۱۳۸۶)، مظهري و همکاران (۱۳۸۶)، صبوري خسرو شاهی (۱۳۸۰) و پامپل (۲۰۰۷) همخوانی دارد و این محققان نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند. در خصوص نقش تعاونی‌ها در تسهیل دسترسی اعضا به مواد اولیه و ابزار قالیبافی بدخشان طرقي (۱۳۸۶) و پامپل (۲۰۰۷) نیز به این نتیجه رسیدند. لذا با توجه به تأثیر تعاونی‌های فرش دستباف در بهبود شاخص‌های اقتصادی قالیبافان توصیه می‌شود که تدابیری در جهت ترغیب قالیبافان غیر عضو جهت عضویت در این تعاونی‌ها اندیشیده شود.

در مورد شاخص‌های اجتماعی مورد بررسی نیز نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دو گروه به لحاظ شاخص‌های اجتماعی در سطح یک درصد وجود دارد و قالیبافان عضو تعاونی نسبت به قالیبافان غیر عضو در وضعیت اجتماعی بهتری قرار دارند. نتایج بدست آمده در زمینه نقش تعاونی‌های فرش دستباف در بهبود وضعیت اجتماعی اعضا با مطالعات انجام شده صبوري خسرو شاهی (۱۳۸۰) و سیگال (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

همچنین نتایج بدست آمده گویای آن است که بین عضویت در تعاونی و برخورداری از خدمات بیمه، دریافت وام و تسهیلات قالیبافی، دارا بودن مدرک فنی و حرفه‌ای و شرکت در دوره‌های آموزشی رابطه معنی‌داری در سطح یک درصد وجود دارد.

در مجموع با توجه به تأثیری که تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی قالیبافان دارند، پیشنهاد می‌شود تقویت فرهنگ تعاون در بین قالیبافان استان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و با توجه به آشنایی کمی که قالیبافان غیر عضو از این تشکله‌ها دارند، اقداماتی در جهت اطلاع رسانی به قالیبافان غیر عضو استان در رابطه با تعاونی‌ها و خدماتی که ارائه می‌دهند، انجام گیرد تا زمینه رشد و تقویت این تعاونی در استان فراهم شود. در حال حاضر صنعت فرش دستباف کشور با مشکلاتی مواجه است که یکی از آنها عدم تمایل قالیبافان به بافت فرش دستباف به دلیل سود آورد نبودن این حرفه می‌باشد، با توجه به تأثیری که تعاونی‌های فرش دستباف در بهبود وضعیت قالیبافان دارند توصیه می‌شود سازمان‌های مرتبط با فرش دستباف کشور نظیر مرکز ملی فرش، توجه ویژه‌ای به این تعاونی‌ها داشته و حمایت‌های لازم را از این تعاونی‌ها در جهت ارائه خدمات بهتر به قالیبافان انجام دهند تا بیش از پیش شاهد رشد صنعت فرش دستباف و بهبود وضعیت قالیبافان در کشور باشیم.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از مرکز ملی فرش ایران که بخشی از هزینه انجام پایان نامه را تقبل نمودند، تشکر و قدرانی نمایم. همچنین از مدیران عامل تعاونی‌های فرش دستباف روستایی استان همدان که با صبر و حوصله در مراحل مختلف انجام پژوهش با اینجانب همکاری نمودند، سپاسگزارم.

منابع و مآخذ

۱. اتحادیه بین المللی تعاون (۱۳۷۷) گزارش کار سی و یکمین کنگره اتحادیه بین المللی تعاون، تهران: وزارت تعاون.
۲. اداره کل امور تعاونی‌های تولیدکنندگان و مصرف کنندگان (۱۳۷۴) نقش تعاونی‌های فرش دستباف در اقتصاد کشور، مجله تعاون، شماره ۴۳، صص ۸-۱۵.
۳. بدخشان طرقي، عصمت (۱۳۸۶) بررسی راه‌های توسعه تعاونی‌های فرش دستباف در استان خراسان شمالی و ارائه راهکارهای ارتقاء بهره‌وری، طرح پژوهشی، اداره کل تعاون خراسان شمالی.

۴. پاشا، نوراله (۱۳۸۰) تحقیق پیرامون مسائل اقتصادی و اجتماعی تولید فرش دستباف به صورت خانگی و کارگاهی در استان همدان، طرح پژوهشی، وزارت جهاد سازندگی سابق، معاونت آموزش و تحقیقات.
۵. خوشفر، غلامرضا (۱۳۷۹) مسائل و مشکلات تعاونی های فرش دستباف در استان مازندران، مجله تعاون، شماره ۱۰۶، صص ۶۲-۵۷.
۶. رضایی، محمد (۱۳۸۵) رضایت مندی بافندگان فرش دستباف در استانهای آذربایجان شرقی و اصفهان، مجله گلجام، شماره ۳، صص ۳۴-۲۵.
۷. زمانی، محمد (۱۳۸۰) بررسی روند تغییرات بهره‌وری عوامل تولید و قیمت تمام شده در شرکت تعاونی فرش دستباف بیرجند، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. سلطانی‌نیا، حسین (۱۳۷۲) بررسی نقش تعاونی‌ها در تولید و صادرات فرش دستباف ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
۹. صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۰) تحقیق پیرامون تأثیر عملکرد تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در کیفیت و کمیت تولید فرش (فاز اول: آذربایجان شرقی - کردستان - همدان)، طرح پژوهشی، تهران: مرکز ملی فرش ایران.
۱۰. طاهرخانی، مهدی و حیدری ساربان، وحید (۱۳۸۳) نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشگین شهر)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص ۱۱۵-۱۳۶.
۱۱. کومار، کریشان (۱۳۸۱) روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه فاطمه رهادوست، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. کیانی ابری، مهدی و خاقانی، حسین (۱۳۸۵) مقایسه ارزش افزوده فرش دستباف در شرایط تولید کارفرمایی و خویش فرمایی، گلجام، شماره ۴۵، صص ۸۷-۱۱۲.
۱۳. مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۱) جغرافیای اقتصادی ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۴. مظهری، محمد، کریمی ماچیان، سلیمان، مشرف، سید محسن و ثنایی طبقه، مجید (۱۳۸۶) مقایسه نظام‌های تولیدی موجود در فرش دستباف به منظور ارائه الگوی

مناسب، مجموعه مقالات دومین سمینار ملی تحقیقات فرش دستباف، (جلد دوم)، مرکز ملی فرش ایران. صص ۶۸۴-۶۷۳.

۱۵. مظهری، محمد؛ شاه نوشی فروشانی، ناصر و رفیعی، هادی (۱۳۸۸) *ارزیابی نظام های تولیدی فرش دستباف با استفاده از تکنیک های چند معیاری* : مطالعه موردی آذربایجان شرقی، مجله گلجام، سال ۲ شماره ۱۳، صص ۷۲-۵۹.

۱۶. نجفی، بهالدین (۱۳۷۴) *تحولات نظام بهره برداری کشاورزی در ایران، نگاهی به تعاونی های مشاع*، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۲ شماره ۵.

۱۷. هاشمی، مریم (۱۳۷۴) *نقش اقتصادی اجتماعی زنان روستایی قالیباف*، فصلنامه مرکز مطالعات برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی ویژه نامه زنان در کشاورزی، سال سوم.

Champoko, N. (2006) *Cooperatives Group Work*, Cambridge: Harvard University.

Glosser, A. (1994) *the creation of Barcosol in Bolivia*. The New World of Micro enterprise finance: Building Healthy financial Institutions for the poor. West Harford, CT: Kumarian press.

James, H.S., & Sykuta, M. E. (2004) *Farmer trust in Agricultural Cooperatives: Evidence from Missouri corn and Soybean producers*, Paper prepared for presentation at the American Agricultural Economics Association meetings, in Denver. Colorado.

Koutsou, S. & et al (2003) *Women's Cooperative in Greece*, Journal of Rural cooperation. 31(1): 47-57.

Pampel, W. (2007) *Cooperation and Rural Development in Gambia*. New York: Macmillan.

Rizov, Marian. (2005) *Rural development under the European CAP: The role of diversity*. The Social Science Journal, Vol. 42, Issue 4, PP. 621- 628.

Safakli, O. (2002) *Impacts of Cyprus European union integration on Turkish Cypriot cooperatives with emphasis on the financial sector of cooperatives*. Dogus universitesi Dergisi, 6:111-123.

Sandalei, B. (2009) *Farm Cooperatives and Reform*, Oregon State University, Clawson Press.

Siegal, G. (2010) *toward a model rural development*, Quarterly Journal of Social and Economic Development, 5(12): 106- 117

Ventura, F. (1994) *Women in Italian Agriculture: New Problems in van der Plas*, L. and Fonte, M. (eds.) Rural Gender Studies in Europe. The Netherlands: Van Gorcum, pp. 80-90.

Warner, P. D, & Christenson, J. A. (1984) *the cooperative extension service: a national assessment*. Westview Press. Boulder, CO.

